



A Comparative Study of The Role of Lyrical Literature in The Relationship Between Literary Description and Music and Its Manifestation in Safavid Period Painting (Case Study of The Painting of The Marriage of Siavash and Farangis)

Tahereh Rezaei Shirazi*

Master of Art Research, Apadana Institute of
Higher Education, Shiraz, Iran

Abstract

Lyric literature is poetry that expresses personal feelings and emotions, covering topics such as love, description, praise, elegy, ode, mysticism, etc. Because these types of poems emanate from the speakers' tender feelings and imaginations and express the poets' states of joy and sorrow, they pay attention to various artistic fields, one of the most prominent of which is the art of music and playing. A brief look at the poetry collections of Persian-speaking Iranian poets reveals that most of these poets' poems deal with music and musical instruments. In this regard, this article, which is conducted using an analytical-descriptive method and using library studies, seeks to examine the Safavid era paintings and compare the components of lyrical literature and the harmony of music in these surviving works. The overall goal of the research is to see how the elements of lyrical literature are manifested in images, considering their musicality.

Keywords: lyrical literature, music, art, painting, Safavid

Received: 25/January/2026

Accepted: 12/February/2026

ISSN:



مطالعه تطبیقی نقش ادب غنایی در نسبت میان وصف ادبی و موسیقی و نمود آن در نگارگری دوره صفوی (مطالعه موردی نگاره ازدواج سیاوش و فرنگیس)

طاهره رضائی شیرازی* | کارشناسی ارشد پژوهش هنر، مؤسسه آموزش عالی آپادانا، شیراز، ایران

چکیده

ادب غنایی اشعاری است که احساسات و عواطف شخصی را مطرح می‌کند که دربرگیرنده موضوعاتی همچون عشق، وصف، مدح، مرثیه، شادینامه، عرفان و غیره است. این گونه اشعار به دلیل آنکه از احساسات و تخیلات لطیف گویندگان تراوش می‌کند و بیانگر حالت زمان‌های شادی و غم سرایندگان آن است، به زمینه‌های هنری مختلفی توجه دارد که یکی از بارزترین این هنرها، پرداختن به هنر موسیقی و نوازندگی است. با مختصر نگاهی به دیوان اشعار شاعران پارسی‌گوی ایرانی متوجه می‌شویم که در اغلب اشعار این گویندگان، سخن از پرداختن به موسیقی و آلات بزمی است. در همین راستا، این مقاله که به روش تحلیلی-توصیفی و با بهره‌گیری از مطالعات کتابخانه‌ای انجام شده، در پی آن است که با بررسی نگاره‌های دوران صفویه، مؤلفه‌های ادب غنایی و همسو بودن موسیقی در این آثار به‌جامانده را تطبیق نماید. هدف کلی پژوهش در این است که مؤلفه‌های ادب غنایی با توجه به موسیقایی بودن چگونه درنگاره‌ها جلوه‌گر شده است؟

کلیدواژه‌ها: ادب غنایی، موسیقی، هنر، نگاره، صفویه

مقدمه

زبان غنایی، زبانی آهنگین و لطیف است. الفاظ چه از لحاظ آوایی و چه معنایی در پیوند با یکدیگر قرار دارند و آهنگ آن‌ها در القای حس مورد نظر شاعر نقش بیشتری دارد. پژوهش حاضر درصدد است تا همسو بودن روح اشعار و نوشته‌های شاعران و نویسندگان را که مالا مال از احساسات و عواطف لطیف نویسندگان خود بر اساس ادبیات غنایی است، در همراهی موسیقی و آلات نوازندگی با این سروده‌ها به کنکاش برساند. در همین راستا برای برقراری این ارتباط از نگاره به‌جامانده از دوران صفویه استفاده شده است. در پژوهش حاضر تلاش بر این است، نگاره‌ای مورد بررسی قرار گیرد که مشخصه و ویژگی ساز را نشان دهد و به دنبال شرح نگاره سازهای آن مورد بررسی قرار گرفته و ساختمان آن نیز توضیح داده می‌شود.

روش

این پژوهش از نظر هدف، بنیادین و نظری است؛ چراکه در نظر دارد با دستیابی به شناختی کلی و مطالعه تطبیقی در سه حوزه ادبیات، موسیقی و هنر نگارگری، به اصولی دست یابد که دلالت‌های ضمنی نهفته در نگاره را در غالب ادب غنایی متأثر بر موسیقی را معرفی نماید. کشف پیوند ادبیات با نگارگری می‌تواند میزان التذاذ هنری مخاطب حرفه‌ای را دوچندان سازد و نگرنده در عین قرار گرفتن در برابر یک نگاره، از هر دو اثر لذت هنری حاصل کند. از رهگذر کشف این پیوند می‌توان به ظرفیت‌های نهفته در متن ادبی نیز پی برد. دریافت مخاطب از متن نوشتاری نسبت به دریافت وی از متن دیداری متمایز است؛ زیرا دریافت یک متن روایی به گونه‌ای استدلالی و در نتیجه، غیرمستقیم و تدریجی رخ می‌دهد. روش گردآوری اطلاعات نیز در این پژوهش به شیوه مطالعات کتابخانه‌ای و اسنادی بوده و اطلاعات با استفاده از مطالعه کتاب‌ها، مقالات، اسناد و مدارک موجود و ادبیات و پیشینه مرتبط با موضوع پژوهش به دست آمده است.

پیشینه پژوهش

در زمینه طبقه‌بندی و بررسی انواع ادبی در زبان فارسی و به‌خصوص بحث در مورد ادبیات غنایی، می‌توان به این کتاب‌ها اشاره کرد: «انواع ادبی» سیروس شمیسا، «انواع ادبی» حسین رزمجو، «انواع ادبی و شعر فارسی» محمدرضا شفیعی کدکنی، «نظریه ادبیات» رنه ولک و اوستین وارن، «شعر بی دروغ شعر بی نقاب» عبدالحسین زرینکوب و «منظومه‌های غنایی ایران» از لطفعلی صورتگر و «مقایسه زبان حماسی و غنایی» از زهرا پارساپور. همچنین در این زمینه می‌توان به مقاله «ادبیات غنایی و جلوه‌های آن در ایران پیش از اسلام» از غلامرضا پیروز (۱۳۸۱) اشاره کرد.

پژوهش‌های متعددی در حوزه مطالعات تطبیقی ادبیات و نگارگری انجام گرفته است. «پیوند ادبیات و نگارگری؛ خوانش تطبیقی لیلی و مجنون جامی و نگاره‌ای از مظفرعلی» از عبدالله آلبوغیش و نرگس آشتیانی عراقی نام پژوهشی است که می‌کوشد با درک وجوه تشابه و اشتراک میان ادبیات و نگارگری، دیدگاه‌های رهیافت نقد بنیاد (آمریکایی) را تبیین کند. این پژوهش می‌کوشد ادبیات را نه به‌عنوان ابژه‌ای برای نگارگری و نقاشی بلکه در کنار آن و به موازات آن قرار دهد و این دو هنر را با همدیگر مقایسه کند. در حوزه موسیقی ایران، کتابی به قلم نرگس ذاکر جعفری با نام «حیات موسیقی سازها در تاریخ موسیقایی ایران از دوره ایلخانیان تا پایان صفویه» نوشته شده که چاپ آن نیز بسیار جدید است (۱۳۹۶). کتاب فوق بحث موسیقی در تصاویر را از دوره ایلخانیان تا پایان صفویه جست‌وجو و تحلیل کرده است. از این منظر، تنها و مهم‌ترین کتاب موجود در زمینه آیکونوگرافی موسیقی ایران است. شایان ذکر است که کتاب فوق، در حقیقت رساله دکتری ایشان با همان نام ذکر شده است؛ اما وجه تمایز این پژوهش با دیگر پژوهش‌ها

در تطبیق بین ادبیات غنایی، موسیقی و نگارگری در دوره صفوی است که با بررسی یک نگاره از شاهنامه تهماسبی به ارتباط این سه حوزه می‌پردازد.

۱- ادبیات غنایی

غنا در لغت به معنای سرود، نغمه و آواز خوش طرب‌انگیز است و شعر غنایی به شعری گفته می‌شود که گزارشگر عواطف و احساسات شخصی شاعر باشد (معین، ۱۳۸۶). ادب غنایی در اصل اشعاری است که احساسات و عواطف شخصی را مطرح کند. این گونه اشعار که کوتاه بود، در یونان باستان با همراهی بربط (در یونانی^۱ و در انگلیسی و فرانسه^۲) خوانده می‌شد. از این رو در زبان‌های فرنگی به اشعار غنایی، لیریک^۳ می‌گویند (شمیسا، ۱۳۸۶). «موضوع شعرهای غنایی در اروپا، عشق، مرگ، سرنوشت انسان و طبیعت، خدا، عروسی، جشن، وطن‌پرستی و ایمان مذهبی و مانند آن‌ها بوده است؛ ولی در فارسی و عربی که این نوع شعر دامنه وسیع‌تری دارد. موضوع آن هجو، عرفان، فخر، سوگندنامه، شکایت، نگرانی از زندگی، شرابنامه (خمیه)، زندان نامه (حبسیه)، دوستی‌نامه (اخوئیات) اشعار سرگرم‌کننده و تفریحی مانند لغز، معما، شعر بی‌معنی، ماده تاریخ، مناظره، مفاخره، وصف طبیعت، وصف شهرها، وصف اطلال و دمن، وصف اسب و شتر و چیزهای دیگر است» (فرشیدورد، ۱۳۸۲). هر یک از انواع ادبی، خصوصیات محتوایی و صوری مخصوص به خود را دارند که وجه تمایز آن‌ها از دیگر انواع ادبی است و ادبیات غنایی نیز از این قاعده، مستثنا نیست.

- شاخص‌های محتوایی ادبیات غنایی

عبارت‌اند از: «احساسی و عاطفی بودن؛ عاشقانه و عارفانه بودن؛ فضای غم‌آلود داشتن؛ وصفی بودن؛ درون‌گرایی و...».

- شاخص‌های صوری ادبیات غنایی

عبارت‌اند از: «لطافت و نرمی زبان و بیان؛ تراجم صور خیال؛ به‌کارگیری کلمات، عناصر، ترکیبات، تعبیرات و تصاویر نرم و متناسب با فضای غنایی؛ غنای موسیقی؛ استعارات، تشبیهات و کنایات نرم و لطیف غنایی؛ بالا بودن بسامد مصوت‌ها، عناصر انتزاعی، گروه‌های اسمی، جملات سؤالی بدون درخواست جواب و...» (مشتاق مهر و بافکر، ۱۳۹۵).

۲- موسیقی در ادبیات

این شعر (شعر غنایی) از پیوند شعر و موسیقی شاعر یا نوازندگان دوره‌گرد و عشق‌درباری به وجود آمد (فریدونی و رزاقپور، ۱۴۰۱). ویلهلم شلگل، شعر غنایی را بیان موسیقی هیجان در زبان تعریف می‌کند (زرقانی و قربان صباغ، ۱۳۹۰). دکتر شمیسا می‌نویسد که: «در ایران هم از دیرباز شعر با موسیقی همراه بوده و اساساً در ایران قبل از اسلام، شاعری با خنیاگری و رامشگری در هم آمیخته بوده است. این وضع در چند قرن نخستین اسلامی نیز ادامه داشت و شاعر در مجالس ممدوح قسمتی از اشعار خود را با صدایی خوش همراه با ساز می‌خوانده است» (شمیسا، ۱۳۸۶). هر جامعه‌ای بنا به نیازهای خاص اجتماعی‌اش، از موسیقی در موقعیت‌های مختلف بهره می‌برد. موسیقی در طول تاریخ ایران همواره از بالاترین رده‌های اجتماع مانند ضیافت‌های دولتی، جشن‌های مختلف دربار و موسیقی نظامی تا موقعیت‌های عمومی همچون جشن‌ها و اعیاد ملی و مذهبی و نزد توده مردم در مراسم‌هایی چون عروسی و

1. Lura
2. Lyre
3. Lyric

عزا حضور داشته است. در هر کدام از موقعیت‌های یادشده، از موسیقی و سازهای ویژه‌ای بهره می‌بردند (ذاکر جعفری، ۱۳۹۵). در رایج‌ترین نوع شعر غنایی یعنی قالب غزل خواه به صورت تغزل در شعر شاعران سبک خراسانی و خواه به شکل مستغلی که از قرن ششم به بعد رواج پیدا کرد، می‌بینیم که از آلات موسیقی همچون بربط، چنگ، رود، نی، ارغتون و غیره نیز از پرده‌های مختلف موسیقی فراوان یاد شده که خود حاکی از آشنایی گویندگان این اشعار از هنر موسیقی است. حتی برخی امیران ایالات کوچک محلی، با این هنر آشنایی کامل داشته‌اند (محمدی و منصوری هرسینی، ۱۳۹۶).

۳- پیوند نگارگری و ادبیات

ادبیات و نقاشی از روزگاران کهن با هم پیوند و ارتباط داشته‌اند و خط و نگارش در ابتدا از ابزار ترسیم نگاره بهره می‌گرفت و از همین روست که در زبان فارسی واژه «نگاشتن» از دیرباز در معنای نوشتن به کار رفته است و همچنان نیز به کار می‌رود: «تا آنگاه که مضربان و حاسدان دل آن خداوند را بر ما درشت کردند و تضریب‌ها نگاشتند» (بیهقی، ۱۹۳۱). پیوند ادبیات و نقاشی در دوره صفویه نمود و بروز بیشتری داشته است. تعامل نزدیک ایرانیان با نقاشان چینی، گرایش شاهان صفوی به الگوگیری از پادشاهان گذشته ایران به عنوان پیش نمونه‌هایی سیاسی و همچنین، پیوند تفکر و مثنوی سیاسی صفویان با عرفان و تصوف، همگی عواملی بودند که باعث شدند شاهان صفوی هنر نگارگری را تقویت کنند. بدین ترتیب، مکتب آغازگر و پیشرو هرات و بخارا که با شخصیتی نظیر کمال‌الدین

بهزاد شاخص و برجسته شده بود، امتداد خود را در مکتب تبریز یافت و در این مکتب، نگارگری و پیوند این هنر با ادبیات و عرفان به اوج خود رسید. این امر، بستر و زمینه‌ای را برای واکاوی و تحلیل این پیوند و ارتباط فراهم می‌آورد (آلبوغبیش و آشتیانی عراقی، ۱۳۹۶). منابع تصویری عصر صفوی که در میان آن‌ها می‌توان سازهای آن دوره را مشاهده کرد، به چند گروه قابل تفکیک است. این چند گروه عبارت‌اند از نگاره‌ها، دیوارنگاری‌ها و تصاویر طراحی شده توسط سفرنامه نویسان اروپایی در سفرنامه‌ها (ذاکر جعفری، ۱۳۹۲). سنت تصویرنگاری ایرانی به طور معمول به شکل تصویرسازی کتب بوده و از بین کتاب‌های موجود، شاهنامه فردوسی و خمسه نظامی بیشترین مقبولیت را در بین تصویرگران داشته‌اند. نگارگران در تصویرسازی شاهنامه یا کتب دیگر، تحت تأثیر سازهای متداول دوره خود بوده‌اند. برای مثال می‌توان به شاهنامه شاه تهماسب اشاره کرد. شاهنامه شاه تهماسب متعلق به دوره صفوی و مکتب تبریز دوم است و شاید بتوان آن را بزرگ‌ترین شاهکار نگارگری ایران برشمرد (رهبر، ۱۳۹۸).

در شاهنامه بزم و رزم، شادی و غم، جنگ و صلح در چند قدمی یکدیگر قرار می‌گیرند؛ به طوری که جنگجوی شاهنامه همان گونه که رزم‌ساز است، بزم نیز می‌سازد. عقیده بر این است که تا حیات است، شادی نیز وجود دارد. زندگی هر چند کوتاه، ولی سرشار است.

چنین گفت خرم دلی راهنمای که خوشی گزین زین سپنجی سرای

با مطالعه دقیق تر می‌توان به این موضوع نیز پی برد که تنوع آلات، سازها، ریتم و آهنگ‌ها در هنگام رزم و بزم متفاوت بوده‌اند. تأملی بیشتر در این سند معتبر تاریخی ارزش و جایگاه موسیقی را در زندگی ایرانیان کاملاً به اثبات می‌رساند. در این مقاله برخی از آلات رزمی و بزمی را معرفی و در ادامه این پژوهش به واکاوی آلات موسیقی در نگاره جشن ازدواج فرنگیس و سیاوش بر اساس داستان غنایی موجود در نگاره می‌پردازد:

– سازهای بزمی

ابریشم: تار سازه، بربط، چنگ، رباب، رود، دف، مزمار و غیره.

- سازهای رزمی

تبیّره، جرس، کوس و غیره (چاردین، ۱۳۸۷).

۱-۳- سیاوش

سیاوش، معصوم‌ترین چهره آسمانی و شریف شاهنامه فردوسی است. او نمونه‌ای از یک پهلوان وارسته و درعین‌حال، شهریاری دو نژاده است که اصل او از سوی پدر به ایرانیان و از جانب مادر به تورانیان می‌رسد (جعفری، ۱۳۸۷). او پرورش‌یافته رستم دستان، پهلوان نامی ایران است. سیاوش در کنار تربیت جنگاوری، نزد موبدان از نظر معنوی و روحانی نیز تعلیم می‌دید. او در برابر خواهش‌های نفسانی سودابه تسلیم نشد و بارها مورد دسیسه واقع شد و درنهایت برای خلاصی از توطئه‌های سودابه، زمانی که کاووس شاه به فرمان شکستن پیمان صلح با افراسیاب را می‌دهد، به کشور توران پناهنده می‌شود و در عین مظلومیت جان می‌سپارد (کهدویی-نجاریان، ۱۳۹۴). سیاوش که یک بار به پیشنهاد پیران با دختر وی پیوند همسری بسته است، باری دیگر به پیشنهاد او و برای ادامه رابطه دوستانه افراسیاب و رفع بدگمانی‌ها به او اختیار می‌دهد تا به خواستگاری فرنگیس دخترشاه توران رود. پیران پس از دریافت موافقت ضمنی افراسیاب، شادمان نزد همسرش گلشهر می‌رود و می‌گوید هر آنچه شایسته و لازم است، فراهم ساز تا فرنگیس را خواستگاری کنیم؛ گلشهر نیز هرآنچه از زر و گوهر و دینار و پرنیان دارد، آماده می‌سازد و با کاروانی از هدایا به همراه پرستندگان زرین کلاه با طبقه‌ای فراوان از گل و مشک و زعفران به خواستگاری فرنگیس می‌رود (مهدب، ۱۳۷۵).

۲-۳- فرنگیس

فرنگیس دختر افراسیاب و همسر دوم سیاوش است. بعد از پناهندگی سیاوش به توران، پیران وزیر باتجربه افراسیاب، فرنگیس را برای سیاوش خواستگاری می‌کند و سیاوش بعد از ازدواج با فرنگیس، سیاوشگرد را بنا می‌کند. او برای فرنگیس مرگ خود و به دنیا آمدن فرزندش خسرو را پیشگویی می‌کند (کهدویی و نجاریان، ۱۳۹۴).

به گنج اندرون آنچه بد نامدار	گزیدند زربفت چینی هزار
زبرجد طبق‌ها و پیروزه جام	پر از نافه مشک و از عود خام
دو افسر پر از گوهر شاهوار	دوباره یکی طوق زرین نگار
ز گستردنی‌ها شتروار شست	ز زربفت پوشیدنی‌ها سه دست
همه پیکرش سرخ کرده به زر	برو بافته چند گونه گهر
ز سیمین و زرین شتروار سی	طبق‌ها و از جام ده باری
یکی تخت رزین و کرسی چهار	سه نعلین زرین زبرجد نگار
پرستار با جام زرین دویست	توگفتی به ایوان همی جای نیست

گلشهر هدیه‌های گران‌بها را در برابر فرنگیس می‌نهد و به رسم زمانه او را برای سیاوش خواستگاری می‌کند و افراسیاب نیز دل‌شاد به آیینی که دارد، دختر زیبای خود را به همسری سیاوش می‌دهد (مهدب، ۱۳۷۵).

بیامد فرنگیس چون ماه نو	به نزدیک آن تاجور شاه نو
زمین باغ گشت از کران تا کران	ز شادی و آواز رامشگران

۴- نگاره ازدواج فرنگیس و سیاوش

این نگاره، مجلس عروسی سیاوش و شاهزاده خانم فرنگیس در قصر را نشان می‌دهد که در آن به نمایش درآمده‌اند. نوع ترسیم پیکره‌های اصلی بسیار زیبا و تغزلی است و با بیان روایت عاشقانه داستان، نزدیک است. نحوه ترسیم سر فیگورها و نوع نگاهشان، حالت فیگورها و دست‌ها و آرامیدن پیکره سیاوش در کنار فرنگیس، دراماتیک است و فضای عاشقانه‌ای را به تصویر کشیده است. این نگاره به سه بخش تقسیم شده است که دو پیکره اصلی در مرکز صحنه و در داخل عمارت و زیر گنبد با ابرهایی در بالای آن، به تصویر کشیده شده‌اند. در سمت راست گوشه بالا و در قسمت پایین نگاره در گوشه چپ گروه زنان به رقص و پایکوبی و نوازندگان در حال نواختن موسیقی ترسیم شده‌اند (تصویر ۱). موسیقی در بزم‌های شاهان بخشی جدانشدنی بوده است و از هنرهای مورد توجه و رایج عصر صفوی و از طرفی از مظاهر سلطنتی به شمار می‌رفته است. هنرمندان نوازنده، هنر خود را در حضور شاه در بزم‌های شاهانه ارائه می‌کردند و عموماً مورد توجه شاهان صفوی بودند. شاردن در ارتباط با آنان اشاره می‌نماید که این گروه‌ها در ردیف‌هایی در مقابل شاه می‌نشسته‌اند و به نوبت سازهای خود را می‌نواختند. دایره (دف)، چنگ، عود از سازهای رایج در این دوره، در این نگاره دیده می‌شود. به نظر می‌رسد نوازندگان درباری، همانند خدمه دیگر دربار، لباس و کلاه‌های میله‌دار مخصوص صفوی بر تن داشته‌اند.



تصویر ۱. نگاره ازدواج فرنگیس و سیاوش. شاهنامه تهماسبی. موزه متروپولیتن نیویورک

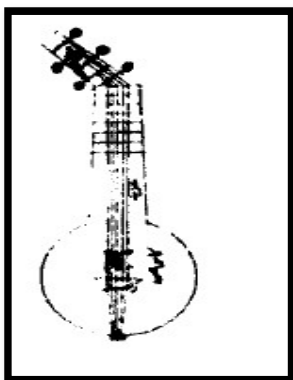
در سمت چپ نگاره، دو تن از زنان در حال نواختن چنگ و زدن دف و مردی در حال نی نواختن هستند و یک نفر نیز در حال بردن جام شراب و دو تن از زنان نیز در سمت راست در حال زدن دف و مردی در حال عود نوازی و دو مرد در حال نی نواختن و یک تن از زنان در حال رقص و پایکوبی است. در این نگاره، دو نفر دیگر از اندرونی مشغول تماشای مراسم‌اند.

جدول ۱.

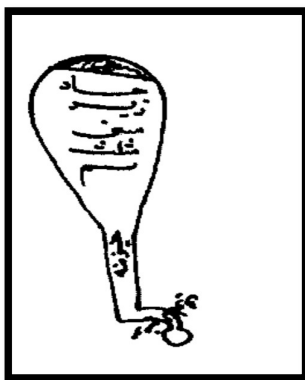
نام اثر	عروسی سیاوش و فرنگیس
سایز نقاشی	مدیوم
سایز صفحه	عرض: ۱۸/۴ * ۲۸/۹ سانتیمتر، طول: ۳۲/۱ * ۴۷/۳ سانتیمتر
محل نگهداری	موزه متروپولیتن نیویورک
نگارگر	قاسم بن علی (فعال حدود ۱۵۲۵-۱۵۶۰) نسبت داده می‌شود. زیر نظر میر مصور (فعال در ۱۵۲۵-۱۵۶۰)
منبع	www.metmuseum.org
تکنیک	آبرنگ مات، جوهر، نقره و طلا بر روی کاغذ

۴-۱- سازهای موجود در نگاره

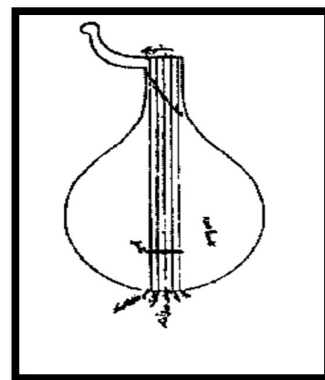
- بریط:



تصویر عود در نسخه موزه بریتانیا



تصویر عود در نسخه پاریس



تصویر عود در نسخه دانشگاه لیدن

کلمه‌ای فارسی مرکب از بر، به معنای سینه و بت، یعنی مرغابی (چون شبیه سینه مرغابی است) و دسته آن مانند اردک است؛ مرکب، از چهار تار است و اعراب به آن عود می‌گویند و با زخمه یا مضرب آن را می‌نواختند.



تصویر عود در برشی از نگاره

می و بریط و نای بر ساختند

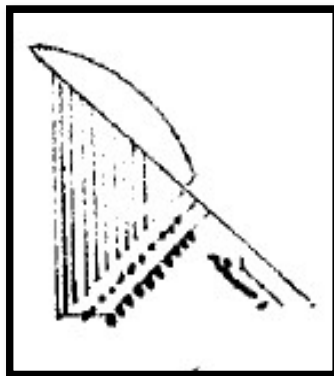
دل از بودنی‌ها پرداختند

(شاهنامه، چاپ مسکو، ص ۲۲۱)

- چنگ:



تصویر چنگ در برشی از نگاره



تصویر چنگ در نسخه بریتانیا

سازی است مشهور از سازهای زهی به شکل مثلث که به وسیله چنگ زدن به زه‌های آن با «انگشت» نواخته می‌شود. نوازنده ساز را به گردن می‌آویخته و با زخمه یا قطعه چوبی در دست سیم‌ها را مرتعش می‌ساخته است و از دست چپ، برای تنوع در اصوات، ریتم و آهنگ استفاده می‌کرده است (چاردین، ۱۳۸۷).
(فرهنگ جامع شاهنامه)

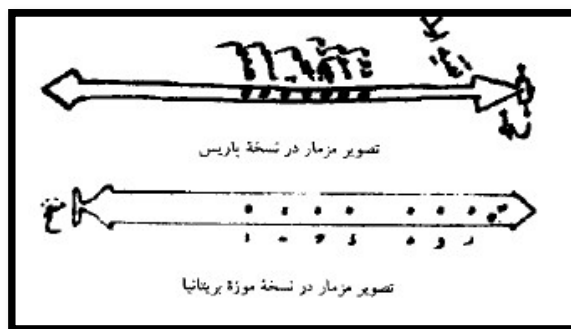
نیا بربط و چنگ و رامش سرای

پرستندگان ایستاده به پای

- نی (مزماری):



تصویر از نی برشی از نگاره



تصویر مزماری در نسخه پاریس و موزه بریتانیا

آن را نای سیاه نیز گفته‌اند. هیچ سازی در حمام نتوان زدن الا نای سیاه این ساز را از دو تکه می‌سازند؛ به این ترتیب که چوبی را مانند نی می‌تراشند و درونش را خالی می‌کنند و به نیای می‌چسبانند و اصل ساز آن نی است. طول ساز یک وجب و یک انگشت و گاه بیشتر است. از هر طرف، ساز به اندازه دو انگشت به هم چسبیده علامت می‌زنند و میان این دو را هفت سوراخ متوسط و طرف دیگر نی را نیز مقابل وسط سوراخ اول و دوم یک سوراخ می‌کنند. یک طرف نی را درحالی که هنوز تر است، ابریشم (وتر؟) چنگ می‌پیچند و طرف دیگر را دو سه روز در میان دو چوب زیر فشار می‌گذارند تا یهن و دو سر آن به هم نزدیک شود. از چوب تر حلقه‌ای می‌سازند و در گردن نی می‌اندازند. این حلقه در آن موضع قدری نی را تنگ می‌کند و گفته‌اند این حلقه زیر و بی‌ساز اثر دارد. دو تکه نی دیگر را با ابریشم هم می‌بندند؛ چنان که میان آن‌ها شکافی باشد و آن را بر سر نی قرار می‌دهند (خضرائی، ۱۳۸۸).

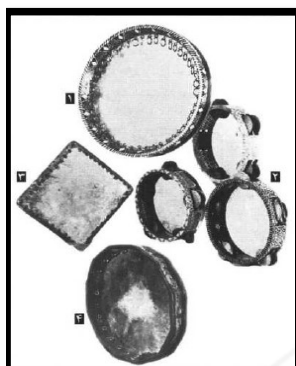
نشستند با آرامش و رود و می یکی دست رود و دگر دست نی

(فردوسی «شاهنامه» داستان خاقان چین)

- دایره زنگی:



تصویر دف برشی از نگاره



نمونه‌هایی از دف و دایره زنگی ۱
و ۲ ایران، ۳ سوریه، ۴ مراکش



تصویر دف برشی از نگاره

دایره زنگی، نوعی دف با قطر کوچک‌تر از دایره و مزهر است که در آن به جای حلقه‌های داخلی، با ایجاد شکاف‌هایی با فواصل معین روی بدنه قاب، صفحه‌های سنج‌مانند کوچکی به صورت دوتایی روی بدنه نصب می‌کنند و با نواختن روی پوست، صدایی خاص تولید می‌شود. گاهی برای حرکت سریع سنج‌ها، انگشت شست را تر می‌کنند و به لبه دایره می‌کشند. جنس این سنج‌ها از برنج و تعداد آن‌ها از چهار تا شش جفت است؛ اما معمولاً نوع دارای پنج جفت رایج‌تر است. دایره زنگی در عراق به دف زنجاری مشهور است (شعبانی، ۱۳۵۴).

با کمی دقت و تعمق در معانی بیت‌های یادشده می‌توان این گونه نتیجه گرفت که تنوع سازها و آهنگ و ریتم‌ها، چنان ندای دلکش و گوش‌نوازی را ایجاد می‌کرده که روح هر شنونده‌ای را به سوی خود جذب می‌نموده است. ساز چنگ و رباب در کنار هم نواخته می‌شدند و در مقابل آن‌ها تایی و رود یا بربط و نای با هم هم‌نوازی می‌کرده‌اند. به جرئت می‌توان گفت ساز چنگ فقط در کنار رباب نواخته می‌شده و هیچ‌گاه در کنار نای و رود قرار نمی‌گرفته است. موزیک و موسیقی متنوع موجود در شاهنامه و کلام فردوسی حاصل وجود سازهای مختلف است؛ زیرا تنوع آلات، موسیقی گوناگونی طنین و آهنگ را نیز به وجود می‌آورد و گوش را از شنیدن یک نوع موسیقی خاص خسته‌کننده‌رهایی می‌بخشد. مطمئناً فردوسی به دلیل اینکه حکیم بوده است، می‌دانسته که انسان‌ها به مقتضای طبیعت خود، تنوع‌طلب‌اند (چاردین، ۱۳۸۷).

نتیجه

ادب غنایی یکی از جذاب‌ترین انواع ادبی در زبان فارسی است. این نوع ادبی، همراه با موسیقی و نگارگری، احساسات و افکار گوینده را به تصویر می‌کشد. از آثار معروف ادب غنایی می‌توان به شاهنامه فردوسی، غزل‌های حافظ، دیوان سعدی و اشعار مولوی اشاره کرد. این آثار، همچنین با موسیقی و نقاشی ترکیب می‌شوند تا تجربه‌ای چندگانه و فراگیر ایجاد کنند. ادب غنایی به عنوان یک هنر چند رسانه‌ای، از زبان، موسیقی و تصویر بهره می‌برد و تأثیری عمیق بر فرهنگ و هویت مردم دارد. در نگاره، فرنگیس دختر افراسیاب، با زیبایی و آرامشی مانند ماه نو به سوی سیاوش نزدیک می‌شود. سیاوش نیز با پذیرایی و احترام، از او خواستگاری می‌کند. پیران، پدر فرنگیس، با آفرین‌ها و خواسته‌های خیر، این ازدواج را تأیید می‌کند. این نگاره، نه تنها زیبایی ازدواج را به تصویر می‌کشد بلکه نمادی از اتحاد و انسجام بین دو فرهنگ و دو ملت نیز است. ادب غنایی، نگارگری و موسیقی در این نگاره با هم ترکیب شده‌اند تا تجربه‌ای چندگانه از هنر و انسانیت را به مخاطبان منتقل کنند. در دوره صفوی، ادب غنایی، موسیقی و نگارگری به همراه ترکیبی از تصاویر و صداها، تجربه‌های چندگانه‌ای را ایجاد می‌کردند. این تطبیق چند رسانه‌ای، احساسات، افکار و داستان‌ها را به شکل زیبا و هنرمندانه به تصویر می‌کشید. موسیقی در مجالس بزم، رزم، شکار و متفرقه از ابزارهای موسیقی مانند تار، نی، دف و سنتور، چنگ، عود و غیره استفاده می‌شد. سازهای موسیقی در این دوره شامل سازهای مضرابی، زهی آرشه‌ای، بادی و ضربی بوده است.

منابع

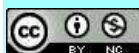
- آل‌بوغیش، عبدالله، و آشتیانی، نرگس. (۱۳۹۷). پیوند ادبیات و نگارگری؛ خوانش تطبیقی لیلی و مجنون جامی و نگاره‌ای از مظفر علی. *نشریه پژوهش‌های ادبیات تطبیقی*، ۶(۱)، ۲۱-۵۸.
- بیهقی، ابوالفضل محمد بن حسین. (۱۳۹۲). *تاریخ بیهقی* (خلیل خطیب رهبر، مصحح). تهران: مهتاب.
- چاردین، لیل. (۱۳۸۷). سازهای موسیقی در شاهنامه. *رشد آموزش زبان و ادبیات فارسی*، ۸۷(۱)، ۶۲-۶۴.
- خضرائی، بابک. (۱۳۸۸). مواد و فنون تصنیع ساز در رساله موسیقی *کنزالتحف*. *گلستان هنر*، ۲۵-۳۳.
- ذاکر جعفری، نرگس. (۱۳۹۲). سازهای اروپایی در ایران عصر صفوی. *هنرهای زیبا*، ۵۷-۶۶.
- ذاکر جعفری، نرگس. (۱۳۹۵). نقش موسیقی در جنگ‌ها و انواع سازهای رزمی در ایران دوران اسلامی با نگاهی بر تصاویر هنر و معماری. *هنرهای زیبا: هنرهای نمایشی و موسیقی*، ۶۵-۷۶.
- رهبر، ایلناز. (۱۳۹۸). آیکونوگرافی موسیقی ایران؛ خطاهای تفسیر، تبیین روش و ارائه راهکار. *هنرهای زیبا*، ۲۵-۳۶.
- زرقانی، مهدی، و قربان صباغ، محمودرضا. (۱۳۹۰). *نظریه ژانر*. تهران: هرمس.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶). *انواع ادبی*. تهران: میترا.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۹۷). *سیر غزل در شعر فارسی*. تهران: انتشارات آگاه.
- شعبانی، عزیز. (۱۳۵۴). *شناسایی موسیقی ایران*. تهران: شهاب منا.
- فریدونی، پروانه، و رزاقپور، مرتضی. (۱۴۰۱). بررسی مؤلفه‌های ادب غنایی در منظومه همای و همایون خواجهی کرمانی. *متن‌پژوهی ادبی*، ۹۴(۹۴)، ۲۶۲-۲۹۲.
- مشتاق مهر، رحمان، و سردار، بافکر. (۱۳۹۵). شاخص‌های محتوایی و صوری ادبیات غنایی. *پژوهشنامه ادب غنایی*، ۱۴(۲۶)، ۱۸۳-۲۰۳.
- فرشیدورد، خسرو. (۱۳۸۲). *درباره ادبیات و نقد ادبی*. تهران: امیرکبیر.
- فردوسی، ابوالقاسم. (۱۳۸۲). *شاهنامه* (بر اساس چاپ مسکو، دوره چهارجلدی، جلد ۲، سعید حمیدیان، مصحح، چاپ ۶). تهران: قطره.

کهدویی، فاطمه، و نجاریان، محمدرضا. (۱۳۹۴). واکاوی داستان سیاوش در شاهنامه فردوسی (بر اساس نظریه ریخت‌شناسی ولادیمیر پراپ). در مجموعه مقاله‌های دهمین همایش بین‌المللی ترویج زبان و ادب فارسی، دانشگاه محقق اردبیلی. معین، محمد. (۱۳۸۶). فرهنگ معین. تهران: نشر زرین.

محمدی، مهدی، و هرسینی منصوری، زهرا. (۱۳۹۶). هنر موسیقی در ادب فارسی و بازتاب آن در غزلیات حافظ. مطالعات هنر و فرهنگ، ۱۴۰-۱۵۰.

مehذب، زهرا. (۱۳۷۵). جشن‌های عروسی در شاهنامه فردوسی. ادبیات داستانی، (۴۰)، ۷۹-۸۳.

استناد به این مقاله: رضائی شیرازی، طاهره. (۱۴۰۴). مطالعه تطبیقی نقش ادب غنایی در نسبت میان وصف ادبی و موسیقی و نمود آن در نگارگری دوره صفوی (مطالعه موردی نگاره ازدواج سیاوش و فرنگیس). فصلنامه رهاورد هنر، ۱(۲)، ۲۹-۴۰.



Rahavard-e Honar Quarterly Journal of Art Studies is licensed under a Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License.